

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نظارت شهروندی و ارتقاء سلامت اداری

مؤلف:

دکتر مسین قاسمی

سرشناسه	قاسمی، حسین، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	نظارت شهروندی و ارتقاء سلامت اداری/ حسین قاسمی.
مشخصات نشر	تهران: کلیدپژوه، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	۲۰۸ ص.
شابک	978-622-6812-95-5
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه ص. [۱۷۱]-۱۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	اصلاح نظام اداری -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام Religious aspects -- Islam Civil service reform -- اصلاح نظام اداری -- ایران -- جنبه‌های حقوقی *Legal aspects Civil service reform -- Iran -- اصلاح نظام اداری -- جنبه‌های اجتماعی Civil service reform -- Social aspects اصلاح نظام اداری -- ایران -- مشارکت شهروندان Citizen participation Civil service reform -- Iran --
رده بندی کنگره	BP۲۳۲۶۷
رده بندی دیویی	۳۹۷/۶۵۸
شماره کتابشناسی ملی	۸۸۱۴۴۹۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا

نظارت شهروندی و ارتقاء سلامت اداری

مؤلف: دکتر حسین قاسمی

ناشر مجوز: تهران، کلیدپژوه

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۱۲-۹۵-۵

تیراژ: ۱۰ جلد

قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان

آدرس: میدان انقلاب، خ آزادی، جنب سینما مرکزی، کوچه مهرناز، ساختمان ۱۱۰، طبقه اول، واحد ۱۷، ۶۶۱۲۴۰۲۹

مسئولیت صحت مطالب و پاسخگویی به شکایت‌های حقوقی و معنوی کتاب بر عهده مولف می‌باشد.

کلیه حقوق برای مولف محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: حقوق شهروندی	۷
فصل دوم: فساد اداری و علل گسترش آن	۳۵
فصل سوم: نظارت شهروندی و انواع آن	۵۵
فصل چهارم: جایگاه نظارت شهروندی در ارتقاء سلامت نظام اداری	۹۱
فصل پنجم: آثار حکمرانی در ارتقاء سلامت نظام اداری	۱۴۱
فصل ششم: جمع‌بندی نهایی	۱۶۳
منابع و مأخذ	۱۷۱
ضمائم	۱۸۳

www.ketab.ir

شهروند ترجمه واژه (Citizen) می‌باشد. این اصطلاح در ادبیات سیاسی و حقوقی ما سابقه چندانی ندارد. در ایران تا قبل از مشروطیت به جای این واژه از کلمه رعیت و رعایا استفاده می‌شد. ظاهراً اولین فرهنگ فارسی به فارسی که کلمه «شهروند» را در خود جای داده است فرهنگ فارسی امروز است در این فرهنگ شهروند چنین تعریف شده است: «کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد.» (فرهنگ فارسی امروز، ۱۳۷۳) مفهوم شهروندی در بعد اجتماعی در قرن شانزدهم در اروپای غربی زاده شد. قبول حقوق و وظایف قانونی و سیاسی ناشی از جایگاه شهروندی بنیاد اصلی و ایده اساسی این مفهوم است.

بعدها برخورداری از حداقل رفاه، مانند حق داشتن سرپناه و حداقل معشیت و نظایر آن به حقوق شهروندان اضافه شده و در پیوستار زمان مفهوم «شهروند اجتماعی» ایجاد شده است. هویت سیاسی، وفاداری به قلمرو جغرافیای سیاسی، احترام به قانون، توجه دقیق به حقوق دیگران و آگاه بودن از امتیازات و منزلت خویش و بالاخره گردن نهادن به وظایفی که ناشی از شهروندی و برخورداری از حقوق شهروندی است، مفهوم شهروند به معنای امروزی را پدید آورده است. (پیران، ۱۳۷۶، ۴۸)

شهروندی مفهومی است که با مسئولیت و مسئولیت پذیری آحاد جامعه همراه است. در جامعه مدنی، شهروندی دریافته است که بی‌مسئولیتی انسان‌های پیرامونی، او را در مسیر پرورسانی قرار می‌دهد و چنانچه خود نیز نسبت به پدیده‌های پیرامونی بی‌مسئولیت باشد، محیط زندگی خود و دیگران را دچار آسیب می‌کند زیباترین احساس خوشایند در مقوله شهروندی،

تلاش برای همکاری، تعاون و بار مسئولیت خود و دیگران را به دوش کشیدن است (هزارجریبی، امانیان، ۱۳۹۰، ۱۶).

در تعریفی دیگر شهروندی منزلتی است، برای فرد در ارتباط به یک دولت که از نظر حقوق بین الملل نیز محترم شمرده می شود به حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت رابطه شهروندی گویند، که چگونگی آن را قانون اساسی کشور معین می کند، اساساً کسی شهروند شمرده می شود که تنها فرمانبردار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و حقوق طبیعی نیز برخوردار باشد، دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت می کند، منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می کند و کسب عنوان شهروندی معمولاً تابع دو سنجه است: یکی محل تولد و دیگری ملیت پدر و مادر. شهروندی یک کشور از راه ازدواج با زن و مرد شهروند آن کشور بدست می آید، اما این گونه شهروندی معمولاً همه حقوق شهروند (از جمله کسب مشاغل دولتی) را با خود بوجود نمی آورد. (آشوری، ۱۳۷۳، ۲۲۳)

با توجه به تعریف هایی که از شهروندی بعمل آمده مفهوم عضویت در اجتماع و شهروندی، برخورداری از حقوق برابر و عهده دار بودن وظایف عام یا مشارکت حضور دارند، مسلماً کیفیت و کمیت مشارکت فرد در جامعه که همان تکلیف او در قبال جامعه است، به میزان بالایی تحت تاثیر کیفیت و کمیت حقوق او و میزان برخورداری او از این حقوق قرار دارد. (نوروزی، گل پرور، ۱۳۸۹، ۱۹۰)

ارج نهادن به حقوق اولیه انسان ها به عنوان حقوق بشر و شهروندی از مهم ترین اولویت های قانون گذاری در هر نظام است. حقوق شهروندی، مجموعه امتیازات و برخورداری هایی است که در نظام حقوقی یک کشور به شهروندان آن، با لحاظ نمودن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض در جهت فراهم ساختن زمینه رشد شخصیت فردی و

اجتماعی به آنها اعطا می‌شود. این مفهوم اغلب در کنار مفاهیم مشابه دیگر یعنی حقوق اساسی و حقوق بشر مطرح می‌گردد. این سه مفهوم گاه به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند ولی در تفکیک مفهومی مرزهای ظریفی میان آنها و دلالت موضوعی آنها وجود دارد. حقوق شهروندی آن بخش از حقوق اساسی است که در قانون اساسی یک کشور شکل ملی به خود می‌گیرد و فقط شامل حال شهروندان آن کشور می‌شود. حقوق بشر یا حقوق طبیعی انسانها، امتیازاتی است که بشر بنا به موجودیت در یک جامعه انسانی باید از آن برخوردار باشد. مثل حق متهم برای برخورداری از محاکمه عادلانه و یا حق مشارکت سیاسی. مخاطب این حقوق دولتها هستند که موظف به پایبندی و ارتقاء آن می‌باشند.

حقوق بشر به لحاظ مفهومی، در رابطه میانه فرد و دولت ملی، تغییراتی ایجاد کرده و ساختار سنتی را تا حدی متحول ساخته است. اگر در گذشته این گونه القاء شده بود که مردم از فرامین مراجع قدرت بی‌چون و چرا مطاعیت کنند، امروز "حاکمیت" و آزادی ناشی از آن، حق تفویضی از مردم به حکومت تلقی می‌شود. در این منظر حاکمیت مردم و نمایندگی دولت از طرف مردم، واقعیتهایی تقسیم‌ناپذیر، سلب‌ناشدنی و غیرقابل مرور زمان و متعلق به ملت است. هیچ گروهی از مردم و هیچ فردی نمی‌تواند اعمال حاکمیت را حق خود بداند. دولت قانونمند را دولتی می‌شمارند که قدرت آن بر پایه معیارهای کلی تنظیم شده و شهروندان نیز از این حق مسلم برخوردار باشند که حسب لزوم به نهادهای نظارتی متوسل شوند. اساسی‌ترین حقوق تضمین شده آحاد ملت، بستری است که شهروند می‌تواند آنها را بخواهد و قدرت حاکم نیز باید به آنها احترام بگذارد. لذا به جای بهره‌گیری از مفاهیم «حاکمیت و حکومت» از اداره امور و حکمرانی سخن گفته می‌شود.